

## آسیب‌شناسی فرار نخبگان

## "زیرساخت‌هایمان خراب است"

مصاحبه اختصاصی «اقتصاد ایران» با دکتر محمد خوش‌چهره، نماینده سابق مجلس و استاد دانشگاه تهران

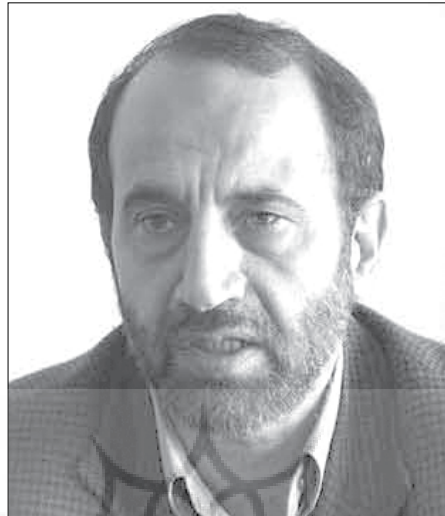
**اقتصاد ایران:** آقای دکتر! ارزیابی جنابعالی در خصوص پدیده فرار مغزها چیست؟

واژه فرار که برخی از آن استفاده می‌کنند بدین معنا است که فضای نامناسب داخل عامل شکل‌گیری این پدیده است، اما خروج و مهاجرت می‌تواند انگیزه فراتری از یک هدف‌گذاری میان‌مدت به مفهوم بازگشت داشته باشد. نخبه کسی است که در حیطه تخصص خود، خلاقیت و نوآوری بالایی دارد که منبع ثروت است و در حوزه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری و حتی ورزشی دیده می‌شود.

پدیده خروج مغزها و نخبگان از جنگ جهانی دوم به بعد، به خصوص در فضای جنگ سرد بین دو بلوک غرب و شرق با پیچیدگی خاصی شکل گرفت، اما تحولات تکنولوژی و سرعت علم و فن‌آوری در غرب از یک سو و دافع‌هایی که در کشورهای جهان سوم با طیف گسترده‌ای متأثر از فضای حاکم بر کشورها - در کنار امکانات و منابع محدود و همچنین عدم امنیت اقتصادی که موانع جدی بر سر راه پژوهش و به تبع آن نوآوری و ابداعات هستند - شرایطی را پدید آورد که روند مهاجرت به خصوص در جنگ سرد و نرم تشدید شد.

در فضای کنونی که با انفجار اطلاعات و با فضای مجازی IT رویه‌رو هستیم، روند مهاجرت نخبگان فزاینده است و چنانچه درک صحیحی از محیط داخلی و بیرونی نداشته باشیم، دچار آزمون و خطاهای مختلف و نادرستی خواهیم شد که تأثیرات مخربی بر اقتصاد خواهد داشت. برخی کشورها مثل چین در دهه ۷۰ میلادی تعداد زیادی دانشجو به دانشگاه‌های معتبر در کانادا و آمریکا فرستادند. چینی‌ها با درک و باور نیاز بازارهای بین‌المللی، سلیقه و نیاز بازار هدف را شناسایی نموده و پس از آن اقدام به توسعه صادرات در بازارهای هدف نمودند. به عنوان مثال وجود برخی کالاهای مذهبی نظیر تسبیح در بازارهای عربستان نمونه‌ای از این شناسایی بازار هدف است، چرا که چینی‌ها خود کمونیست بوده و اعتقادی به خدا ندارند.

بنابراین چنانچه خروج نخبگان مدیریت شده باشد یک فرصت است و می‌تواند معیاری برای عقلانیت باشد، اما موقعی نگران‌کننده است که پشت سر آن هیچ استراتژی، نقشه و عقلانیت مطلوب نباشد. منظوم این است که نباید پدیده‌ها را صفر مطلق و یا به طور کامل دید. (۱۰۰) نباید هر خروجی را منفی دانست و برعکس



تمام آنها را مثبت ارزیابی کنید. متأسفانه در سال‌های اخیر جریان خروج نخبگان علمی، اقتصادی، سیاسی، هنری و حتی ورزشی از نوع دوم بوده است. به هر حال جامعه برای آموزش و پرورش نخبگان هزینه‌های زیادی پرداخته است که با بررسی بحث هزینه و فایده مشخص می‌شود که تا الان خسارات بیشتر از فایده‌ها بوده‌اند.

**اقتصاد ایران:** تحریم علمی تا چه اندازه در تشدید فرار مغزها مؤثر بوده است؟

تحریم را می‌توان از دو بُعد اقتصادی و مدیریت استراتژیک بررسی کرد. چنانچه بخواهیم خیلی خوش‌بینانه تحلیل کنیم، درست است که تحریم از بُعد مدیریت استراتژیک تهدید تلقی می‌شود، اما بسیاری از مدیریت‌ها نه تنها می‌توانند تهدید را کنترل، مهار و بی‌اثر کنند، بلکه از تهدید، فرصت هم می‌سازند. درست است که تحریم، تأثیر چندانی بر روی بازرگانی و تجارت نداشته و تنها هزینه‌های ما را بالا برده، اما وجود تحریم در حوزه‌های علمی و پژوهشی کشور ما را در تنگنا قرار داده و باید این واقعیت را پذیرفت که در این زمینه به شدت تحت فشار هستیم.

**اقتصاد ایران:** فقدان منزلت اجتماعی نخبگان چه تأثیری بر خروج این قشر جامعه از کشور داشته است؟

در جوامع توسعه‌نیافته، نخبگان علمی و نهادهای مرتبط با آن که باید به عنوان الگو و اسوه شناخته شوند، از جایگاه مطلوبی برخوردار نیستند. برعکس در غرب

با ساخت و نصب تندیس‌ها در میادین و خیابان‌ها و اقداماتی نظیر آن، برای کسانی که باعث اعتلای ملی می‌شوند، احترام خاصی قایل می‌شوند.

متأسفانه در کشورمان با این که به روی آموزه‌های فرهنگی و ملی و فراتر از آن مذهبی بسیار تأکید شده، اما رابطه‌ای بین افراد تأثیرگذار در مقیاس ملی، منطقه‌ای و شهری که باید از یک جایگاه و منزلت مطلوبی برخوردار باشند، شاهد نمی‌باشیم. نخبگان کشورمان با مقایسه خود و کشورهای توسعه‌یافته و اقدامات آنها، احساس سرخوردگی پیدا می‌کنند و تحریک می‌شوند که از کشور خارج شوند، چرا که آنان ارزش کارشان را به طور واقعی نمی‌بینند، لذا دل‌سرد شده و در نهایت سعی می‌کنند به جایی بروند که ارزش کارشان درک شود. متأسفانه در جامعه ما به دلیل برخی تنگ‌نظری‌ها و قرائت بد از مذهب، تولید ثروت به صورت منفی نگریسته شود. اگر در جامعه‌ای تلاش و کوشش و به تبع آن ثروت و درآمد ارزش تلقی نشود، گروه‌های نخبه که توانسته‌اند از طریق تلاش تولید و ثروت در جامعه را افزایش دهند، نه تنها فعالیتشان فاقد ارزش است، بلکه یک دید منفی هم در جامعه به آنها به وجود می‌آید.

**اقتصاد ایران:** آقای دکتر! تنگناهای موجود در فضای کسب و کار چه تأثیری بر خروج نخبگان دارند؟

برنامه‌های اقتصادی باید با منابع، قابلیت‌ها، امکانات و استعداد کشور همخوانی داشته باشد و نباید رویاپردازی کرد. همچنین وقتی هدفی را اولویت اول اقتصادی جامعه قرار می‌دهیم، باید ببینیم که ابزار این اقدام، متناسب با این عمل است و یا آن را نقض می‌کند. به عنوان مثال اگر در هدف‌های اقتصادی اشتغال اولویت دارد، باید دید که ابزار اشتغال کامل در راستای تحقق هدف قرار دارند و یا این که با هدف در تناقض است. لذا اول باید ببینیم که ابزارهایمان با سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنیم همسو هستند یا خیر. متأسفانه مشکلات ما به این مسأله برمی‌گردد که سیاست‌هایمان با ابزارها و اهدافمان در تناقض است. حال بر می‌گردیم به سؤال شما. هر چقدر هم که بخواهیم کسب و کار کشور را سر و سامان دهیم، اما تا وقتی که اهداف، ابزار و سیاست‌هایمان را یکسو نکنیم، به موفقیتی دست نمی‌یابیم. همین مسایل سبب می‌شوند تا به یک سری آزمون و خطا دست بزنیم که در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی، همچون سمنی‌کشدن است. در نتیجه، به دلیل جواب‌های نامعقول، کسانی هم که می‌خواهند بمانند و کمک کنند، دل‌سرد می‌شوند و راه خروج را پیش می‌گیرند.

**اقتصاد ایران:** متشکریم. ■